

دو فصل نامه علمی - اختصاصی فقه و حقوق معاصر

سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۷۸ تا ۲۰۳

جایگاه بزه دیده در حقوق کیفری آمریکا

دکترهیت الله نژندی منش^۱

بهرام سیاه بالایی^۲

چکیده

در اثر ارتکاب جرم، آسیب های مادی و معنوی گوناگونی متوجه جان، مال، ناموس، ابرو و روح و روان بزه دیدگان و بستگان آنان می شود. نحوه پاسخ دهی مراجع امر رسیدگی به بزه دیدگان می تواند در کاهش آسیب های آنان موثر واقع شود. هدف اصلی این پژوهش شناسایی جایگاه بزه دیده در حقوق کیفری آمریکا می باشد. یافته های این پژوهش نشان می دهد در حقوق آمریکا فاکتورهایی وجود دارد که جزو حقوق و نیازها و همچنین خواسته های بزه دیدگان می باشد که لازم است در مرحله تعقیب و رسیدگی و اجرا مورد توجه قرار گیرند و تامین شوند و این امر موید جایگاه بزه دیده در نظام عدالت کیفری این کشور است. از آنجا که در پی تحولات با رویکرد در ایالات متحده آمریکا، قانون حقوق بزه دیده در سال ۲۰۰۴ توسط کنگره به تصویب رسیده است در این قانون حقوقی برای بزه دیدگان به رسمیت شناخته شده و تلاش شده است که راه کارهایی برای اجرای آن در فرایند های نظام عدالت کیفری در نظر گرفته شود. این حقوق عبارتند از: حمایت در مقابل متهم، اطلاع و حضور در جلسات

^۱ - دکترای حقوق جزا و جرم شناسی و استاد دانشگاه.

^۲ - دکترای حقوق کیفری.

دادگاه، شنیده شدن اظهارات بزه دیده، مشاوره با وکیل دولت، جبران به موقع و کامل، رسیدگی سریع و رفتار کرامت مدار که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه ها : بزه دیده، جرم، جایگاه بزه دیده، حقوق امریکا

مقدمه

تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که به بزه دیده آن طور که بزهکار در کانون توجه بوده، توجه و عنایت کافی نشده است. صحبت از بزهکار آسان تر از بزه دیده است، حال آنکه همه افراد در معرض بزه دیدگی قرار دارند. یکی از ویژگی های برجسته آموزه های کیفری در سال های گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه دیده در عدالت جنایی بوده است. این نگرش نه تنها به دگرگونی اندیشه ها از رویکردی کلاسیک به رویکردی جامعه شناسانه، باز می گردد بلکه با این حقیقت پیوند می خورد که اگر حقوق کیفری به نیازهای بزه دیدگان توجه نکند، نمی تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و کارایی لازم را در مبارزه با جرم و کنترل بزهکاری داشته باشد. وانگهی به رسمیت شناختن بزه دیدگان سنگ بنای حقوقی مشخص برای آنان از بنیادی ترین حق آدمی، یعنی احترام به کرامت انسانی بزه دیده تا اساسی ترین حق ویژه بزه دیده یعنی جبران آثار بزه دیدگی را در چهارچوب نظام عدالت جنایی می نهد. از این روست که باید گفت به رسمیت شناختن حقوق بزه دیده در گرو به رسمیت شناختن خود بزه دیده است.

از طرفی هر انسانی از حقوقی بهره مند است. شناسایی حقوق ذاتی، یکسان و انتقال ناپذیر انسان ها پایه آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد. این حقوق انسانی باید در چارچوب قانون حمایت شود و از رهگذر آموزش و پرورش گسترش یابد. بازتاب این اندیشه در قلمرو عدالت از نیمه دوم سده بیستم به این سو، رفته رفته به شناسایی حقوق متهمان و بزهکاران در چارچوب

مفهوم دادرسی عادلانه انجامید. سپس گستره آن در چارچوب مفهومی نو به نام دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه در دهه های پایانی این سده به قلمرو بزه دیدگان نیز کشانده شد. بر این اساس، بزه دیدگان شایسته بهره مندی از حقوق در فرایند جنایی هستند تا بتوانند بهتر در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب ها و زیان دیدگی های خود اقدام کنند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۴۹)

بنابراین آنچه در ادبیات موجود در زمینه بزه دیده وجود دارد شاهد دو رویکرد متفاوت هستیم، یکی مفهوم اولیه و جرم شناختی بزه دیده شناسی اولیه است که بیشتر به نقش بزه دیده در ارتکاب جرم می پردازد که در حوزه علت شناسی جنایی است و دیگری مفهوم ثانویه یا بزه دیده شناسی اجتماعی است که مبتنی بر اندیشه های حمایت های گوناگون، اعم از مادی، جسمانی، روانی، عاطفی و پزشکی از بزه دیدگان مستقیم یا غیرمستقیم جرایم، تعدیل وضعیت بزه دیدگی و تثبیت حقوق و منافع شان استوار است.

وضع قوانین و تلاش های طرفداران حمایت از حقوق بزه دیدگان در امریکا نیز، منجر به آن شد که در هر یک از ایالت ها، قوانینی در جهت حمایت از حقوق بزه دیدگان وضع شود و بیش از نیمی از ایالت ها نیز تا سال ۱۹۹۸، قانون اساسی خود را در جهت حمایت از حقوق بزه دیدگان اصلاح سازند. در این قوانین حقوقی برای بزه دیدگان به رسمیت شناخته شده است.

گنجاندن حقوق بزه دیدگان به قوانین اساسی ایالت ها محدود نشده است. قطعنامه ای مشترک از سوی سنا و مجلس نمایندگان کنگره ایالات متحده آمریکا برای اصلاح قانون اساسی آن کشور به شکل زیر آماده شده است هر بزه دیده یا قربانی خشونت حق های زیر را خواهد داشت

آگاهی معقول از زمان همه رسیدگی های علنی مربوط به جرم و حضور یافتن در آنها، استماع صحبت های او در صورت حضور و ارائه اظهارات خود در همه

رسیدگی های علنی برای تعیین آزادی مرتکب و پذیرش دفاع یا حکمی که مورد گفتگو قرار گرفته است، حقوق پیش گفته در رسیدگی های غیرعلنی، آزادی مشروط بسان حقوقی که به محکومان داده می شود، آگاهی معقول از آزادی مرتکب یا فرار کردن وی، در نظر گرفتن منفعت بزه دیده در محاکمه ای که تأخیر نامعقول ندارد، دستور به جبران خسارت از سوی محکوم، در نظر گرفتن امنیت بزه دیده در تصمیم گیری درباره آزادی مرتکب و آگاهی معقول از حقوق مقرر شده در این اصل. (زینالی و مقدسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳) ذیلا ضمن ارائه تعریفی از بزه دیده جایگاه بزه دیده در حقوق کیفری امریکا را مورد واکاوی قرار می دهیم.

۱- بزه دیده

۱-۱ مفهوم بزه دیده و تعریف آن

بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان یا رنج و آزار می بیند. در نوشتگان علوم جنایی، هرگاه این آسیب و زیان یا رنج و آزار از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد، به فرد زیان دیده قربانی جرم یا بزه دیده می گویند. بر این پایه بزه دیده را می توان چنین تعریف کرد بزه دیده شخصی است که به دنبال یک جرم به آسیب بدنی، روانی، در رنج عاطفی زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده باشد. برپایه این تعریف نخست، واژه شخص در این تعریف دربردارنده شخص حقیقی و نیز شخص حقوقی است. دوم، واژه بزه دیده هم دربردارنده بزه دیدگان مستقیم و هم بزه دیدگان نامستقیم است. به دیگر سخن، این واژه نه تنها خود بزه دیده که بزه دیده مستقیم است را در بر می گیرد، بلکه خانواده بی واسطه و درجه یک یا وابستگان بزه دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه دیدگان مصیبت دیده یا در جریان پیشگیری از بزه دیدگی به آسیب دچار می شود، و در واقع بزه دیدگان

نامستقیم می باشند را نیز در برمی گیرد. سوم، گذشته از اینکه مرتکب عمل شناسایی، دستگیر، پیگرد یا محکوم شده باشد یا نه، و گذشته از پیوند خانوادگی میان مرتکب و بزه دیده، شخص ممکن است بزه دیده انگاشته شود. به دیگر سخن، شخص بزه دیده در این موارد شایسته حمایت و جبران آثار بزه دیدگی خویش است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹).

۱-۲ انواع بزه دیده

بزه دیدگان مستقیم یا اولیه، افرادی هستند که در آغاز، بر اثر وارد شدن آسیب بدنی، مرگ یا تلف شدن اموال ناشی از جرم ارتكابی آسیب می بینند. وقتی که جرم خشونت آمیزی رخ می دهد، بزه دیده بیشتر متاثر می شود و کل جامعه هم رنج و آسیب می بیند.

بزه دیدگان غیرمستقیم یا ثانویه، همه اعضای جامعه اند یعنی افرادی که ممکن است در نتیجه ارتكاب جرم، تهدید یا ارعاب شوند. این امر می تواند شامل خانواده، بستگان، دوستان، همسایگان، همه جامعه و حتی ماموران پلیسی باشد که با آثار جرایم خشونت آمیز، همانند کودکان کتک خورده و مرگ های وحشتناک، در ارتباطند.

اگر جوانی در شهر کوچکی، همه اعضای خانواده اش را به قتل برساند یا در نزدیکی مدرسه ای تیراندازی کند، به همه جامعه شوک وارد می شود. هر فردی، احساس می کند که آسیب پذیر است. ترس در او رخنه می کند. روحیه اش را می بازد. اطمینان از بین می رود. علاوه بر اینکه هزینه بزهکاران محکوم شده به مجازات حبس، زمانی که زندانی می شوند از نظر مالی از سوی جامعه پرداخت می شود. به طور خلاصه، هر فردی به عنوان بزه دیده، باید هزینه ای را پردازد.

۱-۳ عوامل مخاطره آمیز شخصی در امریکا

در سال ۲۰۰۰، شهروندان امریکایی ۱۲ ساله و بالاتر، نزدیک به ۲۶ میلیون بزه دیدگی را تجربه کردند. از این مقدار ۱۹/۳ میلیون آن جرایم مالی، ۶/۳ میلیون جرایم خشونت آمیز تجاوز، دزدی و واردشدن به حمله و ۰/۳ میلیون دزدی های شخصی بودند. ویژگی خاص جمعیت شناختی که عوامل خطرزا گفته می شوند، بر احتمال بزه دیدگی تاثیر می گذارند. میزان خطری که مردم با آن روبرو هستند، تحت تاثیر عوامل فردی همانند عوامل خانوار، در خصوص اینکه چگونه و کجا آنها زندگی می کنند، قرار می گیرند (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵).

اطلاعات به دست آمده از پیمایش ملی بزه دیدگی، مشخص می نماید که افراد خاص در مقایسه با دیگر افراد در معرض خطر بیشتری هستند. آن دسته از افرادی که قبلا جزو آسیب پذیرترین افراد در معرض بزه دیدگی خشونت بار بودند، از جمله مردان، نوجوانان و سیاه پوستان، در سال ۲۰۰۰ هم جزو آسیب پذیرترین افراد بودند.

-جنسیت

احتمال بزه دیدگی مردان در مقایسه با زنان بیشتر است. در سال ۲۰۰۰، مردان ۴۲ درصد بیشتر از زنان، جرم خشونت آمیز را تجربه کرده اند، ۱۲۵ درصد بیشتر، از آنها دزدی شده است و ۱۵۹ درصد بیشتر از زنان بزه دیده، مورد حملات شدید قرار گرفته اند. استثنایی که دیده شده در مورد تجاوز جنسی و حملات جنسی است که زنان به طور خاصی بیشتر از مردان بزه دیده شده اند.

-سن

بدون توجه به نوع خشونت، به طور کلی، نرخ بزه دیدگی خشونت بار افراد جوان بالاتر است. افراد بین سنین ۱۲ تا ۱۹ سالگی خشونت فراگیر را در نرخ بالاتری نسبت به افراد مسن تجربه کرده اند.

-نژاد

افراد سیاه پوست در مقایسه با افراد سفیدپوست یا سایر نژادها، احتمال بیشتری برای بزه دیدگی جرم خشونت آمیز، به طور خاص حملات شدید یا انواع دزدی ها دارند.

-وضعیت تاهل

افراد طلاق گرفته یا جدا شده، همچنین افرادی که هنوز ازدواج نکرده اند در مقایسه با افراد ازدواج کرده یا افراد بیوه، احتمال بیشتری برای بزه دیدگی دارند. در سال ۲۰۰۰، افرادی که هرگز ازدواج نکرده بودند، خشونت را در نرخ تقریباً شش برابر بیشتر از افراد بیوه و چهار برابر بیشتر از افراد متاهل، تجربه کرده اند (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷).

۴-۱ ارتباط بین بزه دیده و بزهکار

وقتی که مردم در مورد جرم نگرانند، آنها اغلب از اینکه افراد خطرناک به آنان حمله کنند، نگران می شوند. این ترس، اغلب منطقی است. به جز قتل و تجاوز جنسی، بیشتر جرایم خشونت آمیزی از سوی افراد غریبه و بیگانگان ارتکاب می یابد. مردان، امریکایی های افریقایی تبار و جوانان، در معرض بیشترین خطر جرم خشونت آمیز از سوی افراد غریبه قرار دارند و سالانه تقریباً سه برابر بیشتر از زنان توسط بیگانگان خشن بزه دیده می شوند. امریکایی های افریقایی تبار، بیشتر از دو برابر افراد سفید پوست، از سوی بیگانگان دچار دزدی می شوند. خطر دزدی، برای افراد مسن کمتر است اما احتمالاً به این علت باشد که از افراد مسن تر از نظر فیزیکی، توانایی بیشتری را برای حرکت در خارج از منازل شان ندارند و بسیاری دیگر ممکن است از جرم بترسند و در نتیجه بیشتر وقت خود را در منازل سپری کنند. افراد مسن تری که فعالند و توانایی حرکت ندارند، احتمال دارد که در معرض خطر بیشتری نسبت به همه جمعیت قرار گیرند. زنان نسبت به مردان، در برابر حملات توسط آشنایان و وابستگان، آسیب پذیرترند، دو

سوم از کل حملات وارده به زنان طلاق گرفته یا جدا شده توسط بستگان و وابستگان صورت می گیرد. همسران یا شوهران سابق، فقط ۵ درصد از حملات وارده به وسیله بزهکاران مجرد را تشکیل می دهند. تقریباً در سه چهارم حملات وارده همسر علیه همسر، بزه دیدگی در زمانی که طلاق صورت گرفته یا جدایی اتفاق افتاده، صورت گرفته است. بیش از نیمی از همه موارد قتل از سوی فردی که با نام بزه دیده، شناخته شده، انجام می شود. علاوه بر آن بزه دیدگان و بزهکاران معمولاً از یک نژادند.

۵-۱ بزه دیدگی مضاعف

بزه دیده کسی است که به رغم تحمل بزه، در چرخ دنده های عدالت کیفری افتاده و اگر نظام عدالت کیفری و اجزا و عناصر آن، او را به رسمیت نشناسد و حقوق او را مورد تایید قرار ندهد، بدون تردید مشمول بزه دیدگی مضاعف خواهد شد. از آن جمله است حقوقی که بزه دیده در مرحله رسیدگی و تحقیقات و تعقیب هایی که توسط پلیس صورت می گیرد از آن ها برخوردار است (قوام، ۱۳۸۹، ص ۶۸). ماموران پلیس صرفاً درباره بزهکاران آموزش می بینند و درباره بزه دیدگان از آموزش زیادی برخوردار نمی شوند. غالباً تنها بزه دیدگان، می توانند بزهکار و کالای مسروقه را شناسایی کنند. اموال بزه دیده، ممکن است ماه ها نگهداری شود تا زمانی که به عنوان دلیل در دادگاه ارائه گردد. بزه دیده اغلب برای ادای شهادت به دادگاه فراخوانده می شود و بیشتر از متهم مورد پرسش واقع می گردد. چون متهم الزامی ندارد که در جایگاه شهود قرار گیرد. ممکن است لازم باشد بزه دیده، در فرایند تعقیب و تحقیق، چندین بار به دادگاه یا اداره معاضدت مراجعه کند که نه تنها هزینه بردار است، بلکه از شغل خود نیز باز می ماند. بزه دیدگان اغلب از این گله مندند که با این که اولین کمک را آنها به تحقیقات می کنند، ولی از پیشرفت پرونده آگاه نمی شوند.

زمانی که متهم از زندان یا ندامتگاه آزاد می شود، بزه دیدگان مطلع نمی شوند و این امر مانع اتخاذ احتیاطات امنیتی توسط آنها می شود.

همچنین بزه دیدگان، ممکن است با نبود اطلاعات مربوط به آزادی و تهدید، به طور مضاعفی در معرض بزه دیدگی قرار گیرند.

در پرونده ای، خانمی توسط دوست پسر سابقش که قبلاً به اتهام تجاوز جنسی به او دستگیر شده بود، به طور بی رحمانه ای کشته شد. به هر حال، متهم، به طور غیرمنتظره ای وثیقه گذاشت، و دو روز بعد از آزادیش در کمین نشست و هنگامی که خانم، محل کارش را ترک کرد، شش بار از فاصله نزدیک به طرف سرش شلیک کرد. او در جا کشته شد. هیچ کس پلیس و مقامات تعقیب پرونده درباره این که متهم از زندان آزاد شده است، او را آگاه نکرده بود.

یکی از راه حل های مربوط به این مشکل، سیستم اطلاعات و اطلاع رسانی روزانه به بزه دیده است که در کل کشور گسترش یافته است و تاکنون حداقل به ۳۰۰ انجمن در ۲۶ ایالت رسیده است. این سیستم، با تماس بدون هزینه انجام می شود و نام زندانی یا شماره شناسایی او را ارائه می کند. کاربر این سیستم، اطلاعاتی رایانه ای درباره محل نگهداری زندانی، تاریخ برگزاری جلسات مربوط به عفو و زمان اتمام مجازات را دریافت می کند. این سیستم، همچنین، شماره تلفن و نشانی محل نگهداری زندانی را ارائه می کند.

بزه دیدگان و شاهدان، اغلب با تهدیدی جدی، به ویژه در پرونده های مربوط به مواد مخدر و باندهای تبهکاری، همچنین خشونت خانگی در معرض بزه دیدگی مضاعف قرار می گیرند. تهدید، ممکن است در اتاق دادگاه با نگاه های تهدید آمیز یا اشارات یا پرشدن اتاق دادگاه با دوستان متهم بروز پیدا کند. چنین تهدیدی، به شدت تلاش های پلیس، مقامات تعقیب و کل نظام عدالت کیفری را مختل می کند. یکی از راهبردهای روبه رو شدن با چنین تهدیداتی این است که

کلاسی متشکل از کارآموزان پلیس را در اتاق های دادگاه، یعنی جایی که احتمال بروز تهدید می رود، مستقر نمود (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰).

۲- کمک و مساعدت به بزه دیدگان در امریکا

۲-۱ مروری تاریخی

در سال ۱۹۶۵، کالیفرنیا اولین برنامه جامع بزه دیده را تدوین نمود. از این تاریخ به بعد، بیشتر ایالت ها، برنامه های مشابهی را تهیه کردند. در سال ۱۹۷۵، اولین هفته حقوق بزه دیده از سوی اداره معاضدت ناحیه فیلادلفیا سازماندهی شد. در سال ۱۹۷۹ فرانک جی کارینگتون، از سوی عده زیادی از افراد، به عنوان پدر جنبش حقوق بزه دیده مورد توجه قرار گرفت. وی موسسه حمایت از بزه دیدگان را تاسیس کرد. تعداد بسیاری از گروه های حمایتی بزه دیدگان، در هر ایالت و در بسیاری از استان ها و شهرها از جمله مراکز بحران تجاوز جنسی، حامیان خانواده، گروههای بزه دیدگان، گروه های خشونت خانگی، مادران مخالف رانندگان مست، سازمان ملی کمک به بزه دیده و سایر گروه ها وجود دارند. قوانین مهمی هم، برای کمک به بزه دیدگان تصویب کردند.

۲-۲ قانون جبران خسارت از بزه دیدگان

این قانون در سال ۱۹۷۴ تصویب شد و به بزه دیدگان، حق برخورداری از جبران خسارت، برای هزینه جرایم، از جمله هزینه های دارویی و خاک سپاری، کسر درآمد، خدمات مشاوره ای و دیگر هزینه ها داده شد (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱).

۲-۳ قانون حمایت از شاهد و بزه دیده مصوب ۱۹۸۲

حکومت فدرال، به منظور کمک به بزه دیدگان برای گذر از راه های پریپیچ و خم پلیس، دادگاه ها و مراکز اصلاح، قانون حمایت از شاهد و بزه دیده را تصویب

کرد که به موجب آن، دادستان کل امریکا، باید آیین دادرسی را از طریق این فرایند قانونی برای کمک به بزه دیدگان و شهود گسترش دهد.

این قانون برای بزه دیده، حق صدور بیانیه ها را مقرر می کند. بدین معنا، بزه دیده، در زمان اجرای مجازات و جلسات مربوط به عفو از ارائه شرح کاملی که به طور خلاصه جزییات را مطرح می کند، برخوردار می شود.

۲-۴ لایحه حقوق بزه دیدگان

در سال ۱۹۸۳، لایحه حقوق بزه دیدگان که برای اولین بار، حقوق بزه دیدگان را برای مشارکت در فرایند پیگردهای کیفری به رسمیت شناخت، تصویب شد. تا آن زمان، مقامات تعقیب برای آگاه کردن بزه دیدگان از تصمیمات اصلی، همانند ترتیبات سازش در خصوص حل و فصل دعوا ملزم نبودند. بزه دیدگان از آن زمان به بعد، حتی از حقوق بیشتری، از جمله فرصت برای تهیه شرحی در زمان اجرای مجازات، برخوردار شدند.

۲-۵ قانون بزه دیدگان سال ۱۹۸۴

این قانون، صندوق بزه دیدگان جرم را برای حمایت از برنامه های جبران خسارت بزه دیده در ایالت و خدمات بزه دیده که از جریمه های کیفری فدرال، مجازات ها و مصادره ها در جهت محلی استفاده می نمود، تاسیس کرد. این صندوق، مقرر ای را در هر ایالت، برای جبران خسارت بزه دیدگان، مداخله بحرانی، حقوق کارکنان خدمات بزه دیدگان، کودک آزاری و پیشگیری از آن و برنامه های کمک به بزه دیده تعیین نمود.

۲-۶ قانون حمایت از شاهد و بزه دیده سال ۱۹۹۴

این قانون جبران خسارت و ارائه کمک های دیگر به بزه دیده را فراهم می کند که از محل جریمه ها، مجازات ها و وجه الضمان های مصادره و توقیف شده بزهکاران محکوم شده فدرال پرداخت می شوند. دادگاه ها، اغلب بخشی از مجازات ها را بر اساس اوضاع و احوال و شرایط هر پرونده، به عنوان جبران خسارت تعیین می کنند (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲).

۳- جایگاه و حقوق بزه دیدگان در امریکا

بی توجهی به بزه دیده از این دیدگاه بود که چون دولت و حاکمیت طرف متهم است. بنابراین ضرورتی برای پیش بینی حقوقی مشابه برای بزه دیده وجود ندارد ناشی می شد. با این حال از اواسط سده بیستم در مطالعات جرم شناسی حضور بزه دیده پررنگ شد و شخصیت بزه دیده و خصوصیات مختلف این شخصیت و به ویژه تأثیر او در تکوین جرم مورد توجه قرار گرفت.

در آمریکا علاوه بر اصلاح قوانین اساسی در سطح ایالات و تلاش در جهت اصلاح قانون اساسی فدرال، در جهت گنجاندن حقوق بزه دیده، ایالت های مختلف منشور بزه دیدگان را به تصویب رسانده اند. این منشورها حقوق بنیادین بزه دیدگان را برمی شمردند. علاوه بر این در قوانین مختلف مصوب حقوق بزه دیدگان مورد اشاره و تأکید قرار گرفته اند (زینالی و مقدسی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵)

در آمریکا نیز هر ایالت دارای قوانینی است که حقوق اساسی را برای بزه دیدگان مقرر نموده است و بیش از نیمی از ایالت ها، قوانین اساسی خود را برای حمایت بیشتر از حقوق بزه دیده اصلاح کرده اند. اگرچه این حقوق در کشور متنوعند، با این حال عمده بزه دیدگان از حقوق زیر برخوردارند. بزهکاران ممکن است در طول سازش های حل و فصل دعوی بین مدعی علیه و دادستان و در طول دادگاه و اجرای مجازات، وارد نظام عدالت کیفری شوند. ذیلا حقوق

و جایگاه بزه دیده در قانون حقوق بزه دیده مصوب ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱ حق حمایت از بزه دیده در مقابل متهم

حق بزه دیده در حمایت از وی در مقابل متهم، از جمله حقوق وی به حساب می آید. این حق از این جا نشأت می گیرد که پس از اعلام شکایت بزه دیده، این امکان وجود دارد که متهم، بستگان و یا دوستان وی در صدد برآیند که با تحت فشار قرار دادن بزه دیده، جریان دادرسی را به تاخیر انداخته و یا آن را منحرف سازند. لذا دستگاه عدالت کیفری وظیفه دارد که از بزه دیده در مقابل فشارها و یا آسیب هایی که ممکن است از طرف متهم بر بزه دیده وارد شود، از بزه دیده حمایت کند. این حمایت می تواند از طریق حمایت فیزیکی و برقراری محیطی امن برای بزه دیده و یا همراهی پلیس در دادگاه و قبل و یا بعد از آن صورت پذیرد. بنابراین حق تامین امنیت یکی دیگر از ابزارهای مهم حمایت از بزه دیده است که گستره آن به گواهانی که از سوی او در دادرسی ها شرکت می کنند، نیز کشانده می شود. رکن های سه گانه این حق یعنی حفاظت از بزه دیده در رویارویی مستقیم با بزهکار، حفاظت از بزه دیده در برابر تهدیدها یا انتقام جویی های نامستقیم بزهکار، و حفاظت از هویت بزه دیده به گشوده شدن فصل مهمی در گفتمان بزه دیده شناسی حمایتی یعنی حفاظت از بزه دیده و گواهان انجامیده است (رایجیان اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸).

۳-۲ حق اطلاع از جلسات دادگاه

اصل اطلاع رسانی به بزه دیده شامل آگاهی از جریان دادرسی و آگاهی یافتن از حقوق است. اگر چه بهره مندی از این حق محدود به این مرحله نبوده و تمام مراحل دادرسی را شامل می شود اما از آنجا که شروع دادرسی ها با تعقیب آغاز

می شود و امر آگاه سازی از این مرحله شروع شده لذا اهمیت این حق در شروع و جریان دعاوی کیفری اثر و نمود بیشتری دارد (باقری نژاد، ۱۳۹۴، ص ۳۴۱).

بزه دیده حق دارد که از هر نوع جلسات رسیدگی دادگاه و تصمیمات آن با خبر شود. این جلسات متنوع می باشد. در این جلسات به بررسی واقعه مجرمانه و رفتاری که بزهکار با بزه دیده انجام داده و موجب ایراد خسارت به وی شده است، پرداخته می شود.

بزه دیده باید از این جلسات آگاه بوده تا بتواند به موقع نسبت به اعلام نظرات خود اقدام کند. جلسات دیگری که ممکن است در مورد جرم برگزار شود. جلسات مربوط به بررسی اعطایی آزادی مشروط به متهم یا بزهکار می باشد. این نوع جلسات به دلیل این که باعث رهایی بزهکار می شود، باید به اطلاع بزه دیده رسیده تا بزه دیده با حضور در این جلسات نظر خود را بیان کند. همچنین هر نوع جلسه ای که نتیجه آن رهایی یا آزادی متهم باشد، باید به اطلاع بزه دیده برسد.

با این حال علی رغم تاکید قانون بر حق اطلاع بزه دیده این حق دارای محدودیت گردیده است. این بند که به نظر می رسد در راستای حمایت از متهم در مقابل بزه دیده وضع شده باشد، یاد آور می شود که هشدار آزادی دیگری متعاقب این بخش نیاز به ارائه ندارد، هرگاه چنین هشدار می ممکن است امنیت هر شخصی را به خطر اندازد به عبارت دیگر، در صورتی که اطلاع بزه دیده در مورد آزادی متهم، باعث ایجاد خطر برای هر شخصی از جمله متهم شود، نباید اطلاع دهی به بزه دیده انجام گیرد (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

۳-۴ حق حضور در تمامی جلسات دادرسی

بزه دیده حق دارد که در تمامی جلسات دادرسی شرکت کند. لزوم اجرای این حق به اندازه ای است که می توان گفت در صورت عدم اجرای آن، نمی توان

جلسه دادرسی را عادلانه به حساب آورد. حضور بزه دیده باعث می شود که وی در مواقع لزوم در مورد آسیب ها و صدماتی که از ناحیه بزهکار متوجه شده است، سخن بگوید و از روند موضوعات مطرح شده در دادگاه نیز مطلع شود. همچنین با توجه به اینکه در نظام عدالت کیفری به بزه دیده به عنوان شاهد نگریسته می شود حضور در تمامی جلسات دادرسی باعث می شود که بزه دیده در مواقع لزوم جهت اثبات ادعای خود سوگند یاد کند.

بنابراین مطابق این قانون بزه دیده حق دارد که از هر گونه جلسات رسیدگی عمومی دادگاه محروم نشوند با این حال آن چه که از ادامه این بند به دست می آید این است که منظور از حضور بزه دیده در جلسات دادرسی، حضور به منظور ادای سوگند می باشد، یعنی بزه دیده به عنوان شاهد تلقی شده است. مگر این که دادگاه بعد از دریافت ادله صریح و قانع کننده حکم دهد که ایراد شهادت به وسیله بزه دیده اساساً تغییر می کند اگر بزه دیده سایر شهادت ها را در آن جلسه رسیدگی بشوند لذا حضور بزه دیده در جلسات رسیدگی به معنی حضور برای ایراد شهادت قلمداد شده است.

بنابراین در صورتی که ادله صریح و قانع کننده وجود داشته باشد، دادگاه مانع حضور بزه دیده شده و در نتیجه منجر به برگزاری جلسات رسیدگی غیرعلنی خواهد شد. در این صورت دادگاه باید قبل از اتخاذ هر تصمیمی، نهایت تلاش خود را انجام دهد تا اجازه بیشترین حضور ممکن توسط بزه دیده را میسر سازد و باید برای این کار، جایگزین های معقولانه ای را برای جلوگیری از ورود بزه دیده به جلسات رسیدگی کیفری در نظر گیرد. به عنوان مثال می توان گفت که دادگاه می تواند جلسات دادگاه را تجدید نماید و یا شهادت بزه دیده را قبل از شنیدن شهادت سایر شهود بشنود.

هر چند مطابق رویه دادگاه ها بزه دیده به دلایلی نمی تواند در جلسه دادرسی به دلیل غیرعلنی بودن حضور داشته باشد ولی مطابق این قانون تنها شرطی که باعث می شود که مانع حضور بزه دیده در جلسه دادرسی شد، وجود ادله صریح و قانع کننده می باشد. با این حال دادگاه در پرونده گراس اظهار نظر کرد که نباید این گونه تصور کرد که این قانون قصد تغییر قوانین موجود مبنی بر غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی دادگاه را دارد (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۹۶).

حق شنیده شدن که از جمله حقوق مندرج در این قانون می باشد، به مفهوم این است که باید اظهارات بزه دیده در کلیه مراحل قضایی و به خصوص در جلسه دادرسی در دادگاه شنیده شده و مورد توجه قرار گیرد. حق شنیده شدن به طور منطقی در صورتی قابل اجراست که بزه دیده در جلسه دادرسی سخن بگوید و به سخنان او گوش داده شود و به عبارت دیگر، حق شنیده شدن را به معنای حق بیان در نظر بگیریم. بزه دیده حق دارد که به طور معقولی در هر جلسه رسیدگی عمومی در دادگاه بخش (ناحیه) که شامل جلسات رسیدگی مربوط به آزادی دفاعیات، تعیین مجازات یا آزادی مشروط، می باشد شنیده شود بنابراین مطابق این بند، بزه دیده حق دارد که در کلیه جلساتی که به نوعی درباره بزه و سرنوشت بزهکار تصمیم گیری می شود، اظهارات خود را بیان کند و دادگاه نمی تواند مانع از اظهار نظر بزه دیده گردد. محدوده این جلسات نیز گسترده بوده و عبارتند از جلسات مربوط به بررسی آزادی متهم، جلسات استماع دفاعیات متهم، جلسات بررسی و تعیین میزان و نوع مجازات و نهایتاً جلساتی که در مورد اعطای آزادی مشروط به بزهکار بحث می شود. مطالعات فرسنگی

علیرغم لزوم منطقی تعبیر حق شنیده شدن به حق بیان، با این حال به دلیل فقدان رویه قضایی معینی به نظر می رسد که هنوز رویه قضایی ایالات متحده به خوبی این حق را به رسمیت نشناخته است و محاکم این کشور در عمل این حق را، به

عنوان یک توجیه برای شنیدن اظهارات بزه دیده در مواقعی خاص می دانند. این امر را می توان از تعبیر مختلفی که از این حق، در محاکم صورت گرفته و یا آرائی که حتی برخلاف این حق صادر شده است، به دست آورد (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۹۷).

به عنوان مثال، در پرونده مارسلو، قاضی استدلال می کند که قانون به صورت واضح و غیرمبهم حکم به ارائه شفاهی اظهارات بزه دیده نداده است حق شنیده شدن را به معنی توجه به اوراق و اسناد و ادله بزه دیده تعبیر کرده است. مطابق این رای قانون به بزه دیدگان حق داده است که اظهارات آنان به طور معقولی شنیده شوند. قانون عادی و حقوق موضوعه نوعاً تنها شامل توجه به اوراق معنا می شود. حقوق موضوعه که شامل معقول بودن مقررات و واژه حقوقی (فرصت شنیدن) هر دو، می باشد مستلزم پذیرش اظهارات شفاهی در هر موقعیتی نیست، مخصوصاً زمانی که اظهارات مطرح شده بزه دیده مناسب حکم نباشد. همچنین در رای دیگر، قاضی دادگاه حق شنیده شدن را به حق خطابه تعبیر کرده و آن را جدای از ارائه واقعیت ها و استدلال های بزه دیده در نظر گرفته است. بر اساس این رای این قانون به بزه دیدگان حق داده است که اظهارات آنان به طور معقولی در جلسات رسیدگی عمومی از جمله جلسات مربوط به تعیین مجازات شنیده شوند. این حق خطابه است، شبیه این که به طور سنتی برای یک متهم جنائی - قبل از این که مجازات وضع شود- این حق تعیین شده است و یک حق برای ارائه ادله و استدلال حقوقی نیست. با این حال علی رغم اختلافاتی که در تفسیر این حق به وجود آمده، در بعضی از ایالات، حق مشارکت بزه دیده در مرحله دفاعیات به رسمیت شناخته شده است به عنوان در ایالات وردن جونز و تیجرینو از حداقل ۲۲ ایالت آمریکا، دادستان ها ملزم می باشند که با بزه دیدگان مشورت کنند یا از نظرات آنها در ارتباط با توافقات دفاعی پیروی کنند. همچنین

در ایالت ویرجینیا توافقات دفاعی ممکن نیست به وسیله دادگاه پذیرفته شود، مگر این که دادستان با مقررات در خصوص مشورت با بزه دیدگان موافقت کرده باشد (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

۳-۵ حق مشاوره با وکیل دولت

بزه دیده به طور معقولی حق دارد که با وکیل دولت در خصوص پرونده مطروحه مشاوره کند. این حق به این دلیل در نظر گرفته شده است که دادستان برای طرح و پیگیری دعاوی در دادگاه ها می تواند برای خود وکیلی انتخاب کند. این وکیل پس از آن که دادستان تصمیم به اقامه دعوا و ایراد اتهام به فردی نمود، از طرف دادستان پیگیری حقوقی دعوی را انجام می دهد. در همین راستا این قانون مقرر می دارد که بزه دیده حق دارد که با وکیلی که دولت برای پیگیری دعاوی دادستان تعیین کرده است، نیز مشاوره نماید و وکیل دولت نمی تواند به دلیل این که از طرف دادستان و نه از طرف بزه دیده، وکالت امور را به عهده دارد، از ارائه نظر یا مشاوره حقوقی به بزه دیده خودداری کند.

حق مشاوره بزه دیده با وکیل دولت به این معنا نیست که بزه دیده حق دخالت در وظایف دادستان را نیز دارد. مطابق این قانون هیچ چیز در این بخش نباید طوری تفسیر شود که صلاحیت تعقیبی دادستان کل یا هرکارمند تحت هدایت او را تضعیف کند

با این حال در خصوص تعامل صلاحیت تعقیبی دادستان با حق بزه دیده برای مشورت با وکیل دولت، می توان گفت که علی رغم مقررات دور از دسترس این قانون نظر دادستان، مبنی بر تصمیم گیری در خصوص تحت تعقیب قراردادن بزهکار، دچار کمی محدودیت رسمی است. دادستان آمریکا داور نهایی برای تصمیم در مورد تحت تعقیب قراردادن است. به هر حال بزه دیدگان حق دارند

که توسط دادستان طرف مشورت قرارگیرند، قبل از این که وی تصمیم خودش مبنی بر تحت تعقیب قرار دادن را به اجرا در آورد.

۳-۶ حق جبران به موقع و کامل خسارت

جبران خسارت از مهم ترین حقوق و نیازهای بزه دیده به حساب می آید. به واسطه جبران خسارت نه تنها آسیب وارده به بزه دیده ترمیم می یابد. بلکه این عمل نشان دهنده این است که بزهکار به اشتباه خود پی برده است. منظور از جبران خسارت نیز امری فراتر از پرداخت غرامت است، زیرا پرداخت غرامت از مصادیق جبران به حساب می آید. بنابراین چنانچه بزه روی داده افزون بر برهم زدن نظم عمومی به زیان دیدگی بزه دیده بینجامد وی می تواند نسبت به جبران و ترمیم این زیان دیدگی اقدام کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

اهمیت جبران به موقع و کامل خسارت کمتر از خود جبران خسارت نیست، زیرا در صورتی که آسیب های بزه دیده به موقع و به صورت کامل ترمیم نیابد و یا این که به دلیل عدم شناسایی کامل آسیب ها، چه در هنگام وقوع بزه و یا پس از آن و همچنین آسیب هایی که در طی فرایندهای عدالت کیفری به وقوع می پیوندد، نتوان کلیه آسیب های بزه دیده را جبران کرد، در این صورت بزه دیدگی دوباره بر بزه دیده تحمیل می شود. بنابراین باید این حق بزه دیده را همان گونه که این قانون تاکید کرده است، به موقع و کامل اجرا شود.

چهارنوع مهم از برنامه های جبران خسارت برای بزه دیدگان، پیشنهاد شده است

۱-بخش های جبران خسارت برنامه های کمک و مساعدت به بزه دیده

۲-برنامه های آشتی و مصالحه بین بزهکار و بزه دیده

۳-برنامه های پرداخت جبران خسارت

۴-جبران خسارت به عنوان کارکرد نظارتی تعلیق مجازات

تقریباً همه ایالت‌ها برنامه‌هایی را برای بزه دیدگان و شهود تدوین کرده‌اند. برنامه‌های جبران خسارت بزه دیده، مکمل برنامه‌های موجود هستند که به بزه دیدگان، همانند مراکز بحران تجاوز جنسی و برنامه‌های دادستان‌ها برای کمک به بزه دیده کمک می‌کند. همه ایالت‌ها، هزینه‌های درمانی و پزشکی، مشاوره بهداشت روانی و حقوق و دستمزدهای تلف شده بزه دیدگان را جبران می‌کنند. علاوه بر آن، در همه ایالات، ممکن است به بازماندگان بزه دیده فوت شده، هزینه‌های خاکسپاری، پس داده شود. بیشتر ایالات، موارد رانندگی در حالت مستی و خشونت خانگی را به فهرست جرایم قابل جبران خود، اضافه کرده‌اند. همچنین خدمات شهود- بزه دیده، ممکن است از سوی سازمان‌های غیرمرتبط با عدالت کیفری، همانند ادارات محلی یا ایالتی خدمات بهداشتی یا انسانی ارائه شود. علاوه بر آن، بسیاری از سازمان‌های خصوصی، برنامه‌هایی از جمله مراکز بحران تجاوز جنسی را گسترش داده‌اند. ممکن است در صورت فوت بزه دیده، هزینه‌های کفن و دفن و سایر موارد مرتبط، به وابستگان بازمانده، پرداخت شود. غالباً، به افرادی هم که در حین پیشگیری از وقوع جرم یا دستگیری متهم، آسیب می‌بینند، غرامت پرداخت می‌شود

۳-۷ حق رسیدگی سریع و بدون تاخیر

حق بهره‌مندی از رسیدگی فوری و اجرای بدون تاخیر دستورها یا حکم‌های پرداخت خسارت یکی دیگر از ابزارهای حمایتی در پاسخ‌گویی به نیازهای بزه دیدگان است که پیش‌بینی آن را به ویژه باید در راستای اعمال حق بنیادی جبران ارزیابی کرد. بزه دیده حق دارد که جلسات رسیدگی دادگاه به سرعت و بدون تاخیر غیرمعقولی تشکیل شود. هر چند که دستگاه عدالت کیفری بتواند سریع‌تر به بررسی آسیب‌ها و نیازهای بزه دیده پس از وقوع بزه پردازد، به همان میزان

در جهت کاهش میزان و شدت آسیب‌ها به بزه دیده کمک کرده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹).

تسریع در رسیدگی به وضعیت بزه دیده و برگزاری بدون تاخیر جلسات دادگاه نه تنها به این معنی نیست که در مقابل باید حق متهم را نادیده انگاشت و یا آن را نقض کرد، بلکه دادگاه وظیفه دارد که با حفظ تعادل میان حق متهم برای آمادگی برای دفاع از خود در جلسه دادگاه با حق بزه دیده در برگزاری سریع جلسات دادگاه، تعادل برقرار سازد. همچنین استناد به این حق به این معنی نیست که اختیار عمل را به گونه‌ای در اختیار بزه دیده قرار دهیم که نه تنها حق متهم برای دادرسی عادلانه، بلکه حق دولت برای برگزاری جلسات دادرسی نیز زیر پا گذاشته شود.

این مسئله مورد توجه رویه قضایی قرار گرفته است. به عنوان مثال، در پرونده توین قاضی استدلال کرد که کنگره تصمیم نداشت که قانون حقوق بزه دیده مصوب ۲۰۰۴ به تدریج قانون محاکمه سریع را تضعیف کند یا از متهم و یا دولت برای فرصت کامل و مناسب برای تدارک محاکمه جلوگیری کند، چرا که حق متهم برای آمادگی مناسب دارای اهمیت ذاتی می‌باشد. جایز شمردن علایق از هم پیوسته بزه دیده برای کنترل چرخاندن خطرناک غیر قابل قبول چرخ‌های عدالت، هم حقوق متهم و هم حقوق دولت و در پایان حقوق خود مردم را نیز نادیده می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳).

۳-۸ حق رفتار کرامت‌مدار با بزه دیده
رفتار توأم با احترام، این حس را در بزه دیده تقویت می‌کند که نیازهایش شناسایی، خساراتش جبران و دوباره به جامعه باز می‌گردد و دیگر در معرض بزه دیدگی قرار نخواهد گرفت. نتیجه دیگر، اعتماد بزه دیده به دستگاه عدالت

کیفری است او دیگر خود را بیگانه احساس نمی کند در معرفی بزهکاران همکاری می کند، توصیه ها و مشاوره های کارکنان دستگاه عدالت کیفری را به صلاح خود تشخیص داده و احساس مثبتی راجع به جامعه پیدا می کند (شیری، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

حق بزه دیده برای رفتار کرامت مدار با وی دارای آن چنان اهمیتی است که می توان گفت در صورت فقدان آن، بزه دیدگی دوباره به عنوان نتیجه ای غیرمحسوس از فرایندهای نظام عدالت کیفری بر بزه دیده تحمیل می شود. در نظام عدالت کیفری رفتارهایی را می توان به عنوان رفتارهای دور از شان بزه دیده به حساب آورد. به عنوان مثال پلیس برای این که در همه جا با بزهکاران برخورد کند، آموزش دیده، ولی برای ارتباط برقرار کردن با بزه دیدگان آموزش ندیده است. به دلیل این که بزه دیدگان اغلب تنها کسی هستند که می توانند بزهکار و اموال به سرقت رفته خود را شناسایی کنند، اموال بزه دیده ممکن است برای ماه ها نگهداری شود تا به عنوان دلیل در دادگاه مطرح شود. بزه دیدگان اغلب به عنوان شاهد در محاکمات حضور می یابند و مورد سوالات طاقت فرسا قرار می گیرند، حتی بیشتر از شخصی که متهم به ارتکاب جرم شده است. همچنین رعایت انصاف در رفتار با بزه دیده، از جمله حقوق وی به حساب می آید. بنابراین بزه دیده حق دارد که با انصاف و با احترام، با حریم و شان وی با او رفتار شود. در تبیین مفاهیم این حق، رای قاضی کاسل قابل توجه می باشد. به موجب این رای انصاف ان قدر لازم خواهد بود که با بزه دیده منصفانه قضاوت شود. رعایت شان لازم خواهد بود که به بزه دیده اجازه دهیم که به عنوان طرف سوم یا تعقیب کننده خصوصی دادخواهی کند. رعایت حریم لازم خواهد بود که محاکمه برای عموم ممنوع باشد یا مانع بازجویی چند جانبه از بزه دیده باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

۹- مشارکت بزه دیده در نظام عدالت کیفری امریکا

دو روش بسیار معمول مشارکت بزه دیده در نظام عدالت کیفری، اظهارات فشرده بزه دیده و شرح نظرات بزه دیده است. اظهارات فشرده بزه دیده، شامل توضیحات عینی از صدمات مالی، درمانی و عاطفی بزه دیده است که بر اثر جرم متحمل شده است. این جزییات برای مامور ناظر تهیه می شود، یعنی کسی که متعاقباً خلاصه گزارشی را برای درج مجموعه موارد ارائه شده از سوی متهم می نویسد. این گزارش، سپس به قاضی ارجاع می شود که ممکن است درباره آنچه که بزه دیده مطالبه می کند، کم و بیش مورد توجه قرار دهد. بر عکس، شرح نظرات بزه دیده، بیشتر شخصی است و به بزه دیده اجازه می دهد تا در خصوص تعیین میزان مجازات متهم نظراتش را مطرح نماید. ممکن است بزه دیده، شفاها در دادگاه این مطالب را ارائه کند یا به صورت شرحی کتبی، خطاب به قاضی دادگاه تحویل داده شود. تقریباً تمام ایالات، به بزه دیده اجازه ارائه شرح فشرده را می دهند و در اکثر ایالات هم، بزه دیده، اجازه ارائه شرح نظرات را دارد.

۱۰- نقش پلیس در حمایت از بزه دیده در امریکا

اولین و مهم ترین ارتباط بین پلیس و بزه دیده در طول تحقیق اولیه برقرار می گردد. ماموران پلیس باید با بزه دیدگان واقع بین باشند. اگر موسسه پلیس سیستم افشای زود هنگام موضوع را دارد، باید به بزه دیدگان گفته شود که اقدام بیشتری را نمی توان انجام داد. مگر اینکه اطلاعات دیگری مشخص شود. همچنین شماره تماس باید به بزه دیدگان داده شود تا در صورتی که اطلاعات بیشتری درباره جرم به دست آوردند، اطلاع دهند. باید به بزه دیدگان در خصوص هرگونه کمک قابل دسترسی اطلاع داده شود و در صورت ضرورت، تماس با شرکت های بیمه را یادآوری نمود. اگر بزه دیدگان، نیاز به راهنمایی حقوقی دارند،

ماموران پلیس موظفند آنان را درباره اداره معاضدت قضایی مطلع کنند. اگر ماموران پلیس باید ارتباط خود را با بزه دیدگان و شهود همچنان حفظ کنند یا پرونده ای، همچنان تحت تحقیق است یا به دادگاه ارسال خواهد شد یا اگر مالی پیدا می شود، هر چه سریع تر باید به بزه دیدگان برگردانده شود. اگر پرونده ای به دادگاه ارسال شد، باید به بزه دیدگان در مورد نقش هایشان، راهنمایی لازم ارائه شود و اطلاعات ارائه شده باید به روز باشد. واقعیت پروبال دادن به موضوع، دو مشکلی است که پلیس و مقام تعقیب با آن درگیرند. برخی از شکایات هم کذب هستند، همچنین یکی دیگر از مشکلات پلیس و تعقیب، عدم تمایل بزه دیده برای پیگیری، از طریق مقام تعقیب است. به ویژه وقتی که بزه دیده متهم را می شناسد. ممکن است بزه دیده تمایل به همکاری داشته باشد، ولی شاید به علت حضور فیزیکی، عدم ثبات عاطفی یا فکری، ترس از انتقام، گذشت زمان یا ترس در ارائه شهادت در دادگاه، شاهد ضعیفی باشد. بنابراین حقوق بزه دیدگان جرم باید در بالای فهرست اولویت های پلیس قرار گیرند. (روبلکسی و هس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵).

نتیجه گیری

هرچند در گذشته، بزه دیده عنصر فراموش شده فرایند کیفری بود، در دو دهه اخیر و تحت تأثیر عوامل مختلف، به ویژه گسترش اندیشه های بزه دیده شناسی حمایتی و نیز اقدامات سازمان های بین المللی، حضور گسترده تری داشته و رعایت حقوق وی همانند احترام به حقوق متهمان به یکی از اولویت های نظام عدالت کیفری تبدیل شده است. در نظام حقوق کیفری امریکا علاوه بر اصلاح قانون اساسی، ایالت های مختلف منشور حقوق بزه دیدگان را به تصویب رسانده اند و همچنین با توجه به قانون حقوق بزه دیده مصوب ۲۰۰۴ سازوکارهایی

برای رعایت حقوق بزه دیده در نظر گرفته شده است. و جایگاه بزه دیده با به رسمیت شناخته شدن حق بهره مندی بزه دیدگان از یک دادرسی عادلانه و رعایت موازین آن در فرایند عدالت کیفری و نیز ارتقا سطح دسترس پذیری خدمات به موازات پیش بینی و اتخاذ تدابیر و سازوکارهای حمایتی مساعدتی و ترمیمی برای بزه دیدگان در موقعیت نسبتاً خوبی قرار دارد. حقوق و نیازهای عمومی و مشترک بزه دیدگان در حقوق امریکا عبارتند از حق تامین امنیت و رفتار کرامت مدار با بزه دیدگان جبران خسارت آنها و مشارکت دادن آنان در فرایند کیفری ارائه مشاوره و آگاهی های لازم و بالاخره رسیدگی بدون تاخیر و صحیح.



منابع

- ۱- باقری نژاد، زینب، اصول آیین دادرسی کیفری، نشر خرسندی، تهران، ۱۳۹۴.
- ۲- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیدگان، حقوق و حمایت های بایسته، مجله پژوهش حقوق و سیاست، پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، تحول حقوق جهانی بزه دیدگان برپایه اصل هم ترازای حقوق بزه دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- ۵- روبلکسی، هنری، هس، کارن، پلیس و عدالت کیفری، مترجمان مهدی مقیمی و فریده طه، چاپ اول، نشر ایمان، تهران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵.
- ۶- زینالی، امیرحمزه، مقدسی، محمدباقر، حق بزه دیده بر امنیت و اطلاع رسانی در فرایند کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۸۷.
- ۷- شیرینی، عباس، فرایند عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره اول، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس، تهران، ۱۳۸۶.
- ۸- قوام، میرعظیم، حقوق بزه دیدگان و خواسته های آنان از پلیس، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- ۹- هاشمی، سید میثم، تحولات نوین حقوق بزه دیدگان در امریکا در پرتو حقوق بزه دیده مصوب ۲۰۰۴، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۸.